



## آسیب‌شناسی فرهنگی قانون‌گریزی در نظام آموزش عالی

مریم بناهان\*<sup>۱</sup> و رقیه حیدرزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

قانون‌گریزی پدیده‌ای است که همه‌ی کشورهای جهان به‌گونه‌ای با آن مواجه هستند. نظم اجتماعی، فرهنگ عمومی، آموزش و قانون‌مداری مقوله‌هایی به هم تنیده هستند که به‌سختی می‌توان بر تقدم و تأخر یکی از آن‌ها نظر داد اما باید پذیرفت که قانون و حاکمیت آن نقش محوری در جامعه را دارد و تخطی از آن می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه بزند. افزون بر این، فرهنگی که در اثر این قانون‌گریزی و رایج شدن آن در جامعه به وجود می‌آید، بسیار خطرناک‌تر بوده و پدیده‌ای درونی است که از خود تغذیه می‌کند. این پژوهش با هدف شناسایی الگوهای آسیب‌زای ناشی از قانون‌گریزی در نظام آموزش عالی است و در پی پاسخ به این پرسش است که قانون‌گریزی در دانشگاه به چه صورت انجام می‌شود و واکنش در برابر انواع قانون‌شکنی چیست؟ این مقاله از نوع کیفی بوده و نوعی مطالعه‌ی توصیفی و تحلیلی محسوب می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عدم تبعیت از قانون در دانشگاه‌ها بیشتر در موارد آموزشی و پژوهشی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سندسازی علمی، ایده و مقاله دزدی، پایان‌نامه نویسی و پژوهش نویسی توسط گروه‌های حرفه‌ای و سوءاستفاده از موقعیت توسط اساتید اشاره کرد. مصادیق قانون‌گریزی در دانشگاه عمدتاً از نوع نرم بوده و عکس‌العمل قانونی را در پی ندارد و به‌صورت عرف رایج در محیط دانشگاهی درآمده‌است.

**کلیدواژه‌ها:** قانون، قانون‌گریزی، آسیب‌شناسی آموزش عالی، فساد

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، رایانامه: [banahan@alzahra.ac.ir](mailto:banahan@alzahra.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه الزهراء، تهران

## مقدمه

قانون‌گریزی به‌عنوان محور تنظیم‌کننده‌ی روابط میان افراد جامعه است و یکی از ارکان اصلی استقرار جامعه‌ی مدنی و تثبیت نظام مردم‌سالار و دموکراتیک است (پیرایش و دیگران، ۱۳۹۴). حاکمیت قانون در اجتماع انسانی به ثبات و برقراری نظم در جامعه کمک می‌کند و خروج افراد از این محور نظم جامعه را برهم خواهد زد. قانون‌گریزی ابعاد گوناگونی دارد و فساد که از ریشه‌های آن محسوب می‌شود در بخش‌های گوناگون جامعه از جمله سازمان‌ها، ادارات و بخش‌های اداری و غیره وجود دارد که نظام آموزشی نیز از این امر مستثنا نیست. از نظر ساترلند بر اساس الگوی انتقال فرهنگی رفتارهای غیرقانونی از طریق کنش متقابل به دیگران آموخته می‌شود و نوعی فرهنگ قانون‌گریزی مبتنی بر توجیه زرنگی شکل می‌گیرد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴)؛ بنابراین وقتی که افراد به رفتارهای خلاف عادت می‌کنند، آن رفتارها از حالت ناهنجار بیرون می‌آید و در نظر مردم هنجار می‌شود. این امر سبب می‌شود که ارزش‌های منتسب به آن هنجار نیز خواه‌ناخواه مورد تردید قرار گیرد و انسجام اجتماعی را به خطر اندازد (علی بابایی و فیروزجانیان، ۱۳۸۸). بی‌توجهی به قانون‌گریزی و فساد در نظام اداری، مشروعیت و کارآمدی دولت‌ها را در بلندمدت تهدید می‌کند و عامل شکست سازمان‌ها در محیط خواهد بود و ادامه‌ی حیات و بقای آنان را با مشکل مواجه خواهد کرد (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۳). رویکرد فرهنگی به قانون‌گریزی و آسیب‌شناسی آن در نظام آموزشی کشور از آن جهت اهمیت دارد که نظام آموزشی در مرکز تعالی فرهنگی است چه به مفهوم وسیله‌ی انتقال میراث فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه، چه به مفهوم فراگرد رشد و تکامل انسان و تعالی جامعه همواره نظام آموزشی در قلب تعالی فرهنگی جامعه جای دارد و جزء اساسی آن است (منافی و زمانی، ۱۳۹۱). وجود فساد و فعالیت‌های غیرقانونی در نظام آموزشی و از جمله نظام آموزش عالی که خود زمینه‌های تولید و انتقال فرهنگ را دارد سبب بی‌اعتمادی مردم می‌شود، کیفیت آموزشی را بدتر از گذشته می‌نماید، افراد نالایقی را برای آینده پرورش می‌دهد و ارزش‌های تحریف‌شده را به دانشجویان می‌آموزد. از طرفی فساد با تخریب روح نخبه‌گرایی، سبب بی‌اعتمادی کارفرمایان و عموم به دانش و توان محصلان می‌گردد (رسولی و شهائی، ۱۳۸۸، ۲۳). دانشجویانی که در محیط‌های علمی مشغول به تحصیل هستند علاوه بر آموزش‌های مستقیم در معرض آموزش‌های غیرمستقیم این مراکز هستند و آنچه در محیط‌های آموزشی فرامی‌گیرند در آینده‌ای نه‌چندان دور به سازمان‌ها و سایر مراکز منتقل خواهند کرد و این سلامت جامعه را در ابعاد گوناگون به خطر می‌اندازد. درگذشته معمولاً هر عمل خلاف قانونی در میان قشر فرهیخته رخ می‌داد دود آن تنها به

چشم خود فرد می‌رفت اما امروزه با پدیدار شدن نهادی به نام دانشگاه که مسئولیت تربیت علمی و اخلاقی نسل تحصیل کرده و متخصص را به عهده دارد، دیگر ابعاد این گونه اعمال به افراد خاصی محدود نمی‌ماند و در واقع هر نوع چشم‌پوشی از آن‌ها به‌خصوص در عرصه‌ی دانشگاهی چه‌بسا نتایجی هولناک در پی داشته باشد (کیوان آرا و دیگران، ۱۳۹۰) لذا ضروری به نظر می‌رسد تا پدیده‌ی قانون‌گریزی در نظام آموزش عالی بررسی شود تا با شناسایی و تشخیص موارد و مصادیق آن در این مراکز بتوان در جهت پیشگیری و یا درمان آن، راه‌حل‌های مناسبی را پیشنهاد کرد. با توجه به تحقیقات صورت گرفته قانون‌گریزی به اشکال مختلف در دهه‌های اخیر یکی از مشکلات اساسی سازمان‌ها مطرح شده است و علاوه بر اینکه شرکت‌های تجاری را با مشکل مواجه نموده سازمان‌های دولتی، غیرانتفاعی، انتفاعی، دانشگاه‌ها و حتی سازمان‌های مذهبی را فرا گرفته است (ریبعی و نظریان، ۱۳۹۳). در حالی که انتظار می‌رفت بعد از وقوع انقلاب اسلامی که مبنای تشکیل آن یک حکومت دینی و اسلامی است از شدت این مسئله تا حد زیادی کاسته شود و مردم گرایش به قانون و واجب‌الاجرا بودن آن را امری ضروری برای خود بدانند. در تعریف قانون می‌توان گفت مجموعه‌ای از قواعد است که اگر افراد جامعه خود را با آن تطبیق دهند علی‌رغم وجود انبوه انسان‌ها با گرایش‌ها و سلیقه‌های متفاوت و گاه متضاد، هر کس در محدوده حقوق خویش عمل می‌کند و اصطکاک و رویارویی مستقیم به وجود نمی‌آید (حق پناه، ۱۳۷۷، ۳) فلذا قانون‌گریزی عبارت است از زیر پا گذاشتن قواعد و دستوراتی که تعیین‌کننده حدمرزش فعالیت‌ها برای کنترل و نظم‌بخشی جامعه انسانی است. در بررسی پدیده‌ی قانون‌گریزی در مراکز آموزش عالی به چند دسته از انواع تخلف برخورد می‌کنیم. دسته‌ی اول آن بخش از موارد قانون‌گریزی است که قسمت‌های مدیریتی و اداری و بخش‌های درون‌سازمانی را شامل می‌شود و دسته‌ی دیگر مربوط به تخلفاتی می‌شود که در حیطه‌ی فعالیت‌های دانشجویان و اساتید و متولیان آموزشی است و هنجارها و قوانین حاکم بر آن‌ها را مورد هدف خود قرار داده است و هدف پژوهش حاضر نیز گروه دوم از فعالیت‌های غیرقانونی است که علاوه بر نامعتبر کردن مراکز آموزش عالی باعث آسیب‌هایی در نظام فکری و فرهنگی جامعه می‌شود زیرا متصدیان نظام آموزش عالی در هر جامعه‌ای با درجه‌ای از شدت به‌عنوان گروه مرجع شناخته شده و رفتارهای آن‌ها می‌تواند موجب الگوبرداری و هنجاری شدن فساد و یا غیراخلاقی شدن آن در جامعه گردد (ریبعی و نظریان، ۱۳۹۳، ۱۴۳). به‌طورکلی و با توجه به انواع قانون‌گریزی آن مفهوم از قانون‌گریزی مدنظر است که به‌صورت نرم انجام می‌شود و کمتر عکس‌العملی در برابر این قانون‌شکنی انجام گرفته و در برخی موارد به دلیل فراوانی به‌صورت رفتار رایج و عرف در محیط آموزشی و به‌تبع آن

در جامعه درآمدهاست. قانون‌شکنی و علل بروز این پدیده در جامعه موضوع مطالعه‌ی پژوهش‌های گوناگونی بوده است و بسیاری از این پژوهش‌ها تنها به علل بروز آن در جامعه پرداخته‌اند ولی بررسی قانون‌گزینی و آسیب‌شناسی آن در مراکز آموزشی موضوعی است که تاکنون مورد غفلت واقع شده لذا در این پژوهش سعی بر این بوده است تا علاوه بر شناسایی انواع و مصادیق قانون‌گزینی در مراکز آموزش عالی، به پیامدهای فرهنگی آن نیز بپردازد و درصدد پاسخگویی به این سؤال برآید که انواع قانون‌گزینی در نظام آموزش عالی کدام است و بازتاب آن در جامعه‌ی کنونی چگونه است. بدین منظور ابتدا بیان مفهوم قانون و قانون‌گزینی پرداخته و سپس واژه‌ی فرهنگ و آسیب‌شناسی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن به انواع و مصادیق قانون‌گزینی در نظام آموزش عالی پرداخته و راهکارهایی برای حل این مسئله ارائه شده است. با توجه به موضوع تحقیق که شناسایی گونه‌هایی از پدیده‌ی قانون‌گزینی است که وجهه فرهنگی داشته و بر منش و کنش اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد، سؤال‌های پژوهش به صورت زیر سامان یافته است

- (۱) مهم‌ترین مصادیق قانون‌گزینی آموزشی و پژوهشی در نظام آموزش عالی کشور کدام است؟
- (۲) تأثیرات فرهنگی ناشی از قانون‌گزینی در دانشگاه چیست؟
- (۳) مهم‌ترین پیامدهای اخلاقی و اجتماعی قانون‌گزینی در نظام آموزش عالی چیست؟
- (۴) راهکارهای پیشنهادی برای کنترل و مهار قانون‌گزینی در نظام آموزش عالی چیست؟

### روش‌شناسی

در این پژوهش جهت دستیابی به آسیب‌های موجود در نظام آموزش عالی از روش توصیفی و تحلیلی و از نظر نوع مطالعات به صورت کیفی انجام شده است. با توجه به اینکه موضوع قانون‌گزینی در نظام آموزشی محثی نو و پیچیده است لذا تلاش شده است به منظور شناسایی آسیب‌های فرهنگی ناشی از قانون‌گزینی در نظام آموزش عالی جمع‌آوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه صورت پذیرد و سپس با استفاده از رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش‌های مختلف و بهره‌گیری از نگاه انتقادی برای رسیدن به فهم دقیق مطلب به تحلیل و بررسی نظام‌مند متون حاصل از یادداشت‌ها و اسناد پرداخته شود.

## نتایج

### مفهوم قانون

واژه قانون معرب واژه‌ی یونانی کانون<sup>۱</sup> است و کانون به معنای خط‌کش یا قاعده است. قانون امری است کلی که بر جزئیات منطبق می‌گردد و احکام جزئیات از آن شناخته می‌شود. (دهخدا، ج ۳۸) و در فرهنگ لغت عمید به معنای اصل و مقیاس چیزی است (فرهنگ عمید، ۱۳۷۷). در اصطلاح نیز قانون را به ضابطه‌ای کلی می‌گویند که بر رفتارهای افراد در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی حکومت می‌کند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴، ۳). در علم حقوق و در معنای عام آن، این منبع در برابر عرف به کار می‌رود و مقصود تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان‌های صالح دولت وضع شده است پس در این معنی، قانون شامل تمام مصوبات مجلس و تصویب‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های اداری می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱۲۰) و همچنین قواعدی که از راه همه‌پرسی به تصویب ملت رسیده است در شمار قانون می‌آید خواه مربوط به عموم مردم یا ناظر به شخص و موضوع معینی باشد (همان، ۱۲۴). قانون اگرچه از لغات دخیله است ولی در عرف ما از لحاظ مفهوم، معانی متفاوتی دارد که مناسب‌ترین آن همان اصل و ریشه است و بعضی از مشتقات آن به معنی عالی و مرتفع است به این معنا که قانون باید اولین هدف دید ما باشد یعنی بشر باید در هر شأنی از شؤون اجتماعی خود متکی به مبادی و مقرراتی باشد که به آن قانون گفته می‌شود و چنین هم بوده و حتی اجتماعات کوچک و بدوی هم بدون قانون نبوده است (غضبان، ۱۳۴۳، ۶۶). قانون هر جامعه‌ای بر اساس اصول و مبانی شکل یافته‌ی آن کشور و در نهایت دقت و توجه تدوین می‌شود و تمامی قوای آن کشور در حفظ تمامیت و قداست آن می‌کوشند. از آن به‌عنوان یک سند افتخار و میراث ملی حراست می‌کنند و از تغییر و تبدیل در آن حتی‌الامکان اجتناب می‌نمایند و اگر تحولات اجتماعی نیازهای جدیدی را مطرح کند دیوان عالی آن کشور با تفسیرهای مناسب از همان مواد، راه‌حل‌های متناسب با نیازهای روز را اجتهاد می‌کنند. باید توجه داشت که اعتبار و کیفیت قانون‌مندی‌ها و هنجارها از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر حتی در جوامع چندگانه ممکن است تفاوت کند و ارزش‌های انسانی و باورهای سازمانی و اجتماعی با عنایت به قانونمندی‌های هر

<sup>1</sup> Canon

جامعه در چارچوب فکری مکاتب مختلف، تعریف و تبیین می‌گردد و در هر صورت از ادراک فرهنگی آن جامعه نشأت می‌گیرد (قراگزلو، ۱۳۷۸، ۳۵). تعاریف گوناگونی از قانون وجود دارد که می‌توان به نظرات اندیشمندان مختلف اشاره کرد آبراهام مزلو معتقد است: قوانین در کلی‌ترین مفهوم خود روابطی هستند که از فطرت چیزها ناشی می‌شوند به این مفهوم، تمامی موجودات برای خود قوانینی دارند. خداوند قوانین خودش را دارد، عالم مادی قوانین خودش را و انسان قوانین خودش را، بنابراین قانون عبارت است از روابطی که بین موجودات مختلف و بین این موجودات با یکدیگر برقرار است (رفیع پور، ۱۳۷۴، ۵۴). کوزر درباره قانون چنین اظهار نظر کرده است: «قانون عبارت است از فرمان قانون‌گذار، دستور مقام باصلاحیت که ما را وامی‌دارد تا فلان کار را انجام داده و از ارتکاب فلان عمل بپرهیزیم» (پیرایش و دیگران، ۱۳۹۴، ۳) و به گفته‌ی صدیقی هنجار به عمل‌هایی گفته می‌شود که افراد در تعامل با یکدیگر انجام می‌دهند و اکثر مردم نیز آن را می‌پذیرند. در این بعد، اگر عملی که هنجار است توسط فرد یا گروهی انجام نشود، مردم با آن برخورد می‌کنند. بعضی هنجارهای پذیرفتنی از پشتوانه‌ی انضباطی و ضمانت اجرایی حکومتی برخوردار است و تخلف از این نوع هنجارها برخورد حکومتی را با فرد خاطی در پی دارد این هنجارها قانون را تشکیل می‌دهند (صدیقی اورعی، ۱۳۷۶). به‌طور کلی سه تعریف از قانون امکان‌پذیر است. اول اینکه قانون ممکن است به معنای سلسله قواعدی ناظر بر رفتار باشد که در هر نظام سیاسی دارای ارزش و اعتبار عینی است، همانند آنچه در نظریه‌ی توماس آکویناس دیده می‌شود. دوم، قانون ممکن است به معنای سرجمع حقوق فردی باشد و آن‌چنان که لاک ادعا می‌کند، پیش از تأسیس نظام سیاسی وجود داشته و ظهور این نظام‌ها تأثیری در ماهیت آن‌ها نداشته‌اند. سوم اینکه قانون ممکن است به معنای قوانین موضوعه دولت باشد که اعتبار آن‌ها به تصویب آن‌ها با اصول مدون و غیر مدون قانون اساسی منوط است (پیرایش و دیگران، ۱۳۹۴، ۴).

### نقش و اهمیت قانون

همان‌گونه که گفته شد اعتبار و کیفیت قانون و هنجارهای اجتماعی ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر تفاوت کند اما در هر صورت ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده است که به مواردی اشاره می‌شود

- ۱- قانون عامل اعتدال و میانه‌روی در جامعه است.
- ۲- التزام به قانون زمینه‌های انحراف، طغیان، استکبار و بهره‌کشی را جلوگیری می‌کند.
- ۳- قانون کنترل‌کننده‌ی فعالیت انسان و جلوگیری کننده از هرجومرج است.

- ۴- حاکمیت قانون و وجود قانونمندی در مناسبات انسانی به استقرار نظم و ایجاد انضباط اجتماعی می‌انجامد (قراگوزلو، ۱۳۷۸، ۳۴).
- ۵- قانون و التزام به آن باعث افزایش انگیزه‌ی کار در سازمان‌ها و ادارات می‌شود.
- ۶- قانون موجب کاهش اتلاف منابع می‌شود.

### قانون‌گریزی

برای درک مفهوم قانون‌گریزی می‌بایست به معنای هنجار و قانون توجه کرد. در تعریف هنجار یادآور شدیم که رفتارهایی را هنجار گویند که رعایت نکردن آن‌ها باعث واکنش مردم می‌شود و بعضی از هنجارها از پشتوانه‌ی اجرایی برخوردار هستند که عدم تعهد به آن‌ها برخورد حکومتی را در پی دارد. در واقع، زمانی که عده‌ای هنجارهای رسمی جامعه را نادیده بگیرند، با وضعیت قانون‌گریزی روبه‌رو خواهیم بود. هر جامعه‌ای برای ثبات و پایداری و در نتیجه اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های طراحی شده نیاز به رعایت نظم و قانون و مقررات از سوی افراد آن جامعه دارد به گونه‌ای که گریز از قانون یک حالت غیرعادی برای جامعه تلقی می‌شود. نظم‌گریزی مترادف با قانون‌گریزی است که نشانه‌های آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، خودداری از انجام وظایف، گریز از مسئولیت و وصول به مقصود به هر طریق ممکن است. در واقع قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که فرد پیروی نکردن از این هنجارها را بر پیروی از آن‌ها ترجیح می‌دهد، بنابراین قانون‌گریزی بر همه ابعاد جامعه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد (پیرایش و دیگران، ۱۳۹۴، ۳). در هر جامعه‌ای، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. در حقیقت این قوانین هستند که محدوده‌های درست و نادرست افراد در زندگی اجتماعی را مشخص می‌کنند و از این طریق نظم اجتماعی را ممکن می‌سازند. اگر از منظر علم جامعه‌شناسی به مفهوم قانون‌گریزی نگریسته شود مفاهیمی چون بزهکاری، جرم، انحراف و کج‌روی برای کسانی که قواعد اجتماعی را نادیده می‌گیرند بروز خواهند کرد که هر یک مفهوم متفاوتی دارد. به‌روروی نظم در هر جامعه‌ای مبتنی بر مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد اجتماعی است برخی از این هنجارها عرفی و غیررسمی و برخی دیگر رسمی است و ضمانت اجرایی دارد. به‌همه‌ی افرادی که از هرگونه هنجاری در جامعه تخطی کنند کج‌رو یا منحرف می‌گویند. در این میان به افرادی که از قوانین رسمی جامعه پیروی نمی‌کنند اما به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکار می‌گویند. مجرم به فردی گفته می‌شود که به تکرار از قوانین رسمی جامعه تخطی می‌کند اما شدت انحراف او بالاست و آسیب فردی و اجتماعی شدیدی برای جامعه به

همراه خواهد داشت. با توجه به این مطالب قانون‌گزینی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه حاصل می‌شود و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. (علی بابایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۲).

تقسیم‌بندی‌هایی که برای قانون‌گزینی انجام شده مختلف است. علی بابایی بر اساس شدت خشونت اعمال‌شده در پدیده‌ی قانون‌گزینی آن را به دو دسته‌ی سخت و نرم تقسیم می‌کند. با توجه به این که همه‌ی افراد جامعه در زندگی خود از چند قاعده‌ی رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، قانون‌گزینی طیفی از رفتار است که از قانون‌گزینی دائمی و خشن و شدید (مثل سرقت و قتل) تا قانون‌گزینی گه‌گاهی و غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات و عبور از چراغ‌قرمز) را دربر می‌گیرد. به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت‌آمیز، گه‌گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد قانون‌گزینی نرم گفته می‌شود. در نتیجه در این نوع قانون‌گزینی، عمدتاً جامعه آسیب می‌بیند. در جامعه این نوع قانون‌گزینی به‌عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود و کمتر عکس‌العملی منفی در برابر این نوع قانون‌گريزان دیده می‌شود. این نوع قانون‌شکنی به دلیل فراوانی و سهولت در انجام آن بیش‌تر به‌صورت عرف در جامعه درآمده است. ندادن مالیات یا عوارض و استفاده از کپی‌های غیرمجاز نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گزینی در جامعه است. آنچه مسلم است این است که افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون‌گزینی از نوع اول می‌شوند در حالی که همه‌ی افراد جامعه به‌نوعی مرتکب قانون‌گزینی از نوع دوم می‌شوند (پیرایش و دیگران، ۱۳۹۴، ۶). به عبارتی مسئله‌ی قانون‌گزینی به سه دسته‌ی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی تقسیم می‌شود. از منظر قانون‌گزینی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه‌ی سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه است که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بردارد. قانون‌گزینی اعتراضی (ناهمنوایی) در واقع دو پاسخ کلی به چرایی اطاعت مردم از قوانین است که الف) مردم در پاسخ به محرک‌های بیرونی و محسوس یا به‌عبارت‌دیگر، پاداش‌ها و تنبیهات از قانون اطاعت می‌کنند و ب) اطاعت مبتنی بر تعهدات هنجاری است که اخلاق شخصی یا مشروعیت نهادی قانون‌گذار، حاکمان، مجریان و خود قوانین را شامل می‌شود. نهایتاً قانون‌گزینی اخلاقی زمانی است که آن شخص به قوانین گردن می‌نهد چون با ارزش‌های اخلاقی و درونی وی همخوانی دارد. اما شخص ممکن است دست به اعمالی بزند که علی‌رغم پیوستگی‌اش با ارزش‌های درونی وی با ارزش‌های جمعی همخوانی نداشته باشد (همان: ۷ و ۸). یک دیدگاه فرهنگی نیز در این زمینه وجود دارد که فرهنگ را مجموعه‌ی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، ارزش‌ها،



تکنیک‌ها و کلیه دستاوردهای مادی افراد جامعه می‌پندارد. در این دیدگاه فرهنگ به معنای اعم نگرسته شده و بر اولویت آن در فرایند قانون‌پذیری افراد جامعه تأکید شده است. اگر جریان فرهنگی شدن افراد جامعه درست سازمان‌دهی شده باشد، به‌گونه‌ای که آن‌ها احساس تعهد در مقابل جامعه و ارزش‌های آن داشته باشند، اجازه تخطی و عدول از قوانین جامعه را به خود نمی‌دهند. صاحب‌نظران این رهیافت معتقدند که علل ضعف رعایت قانون در جامعه و سایر ناهنجاری‌ها را باید در گسیختگی فرهنگ جامعه جستجو کرد. اگر میان اجزا و عناصر فرهنگی، چه مادی و چه غیرمادی انسجام مطلوبی وجود داشته باشد و فرایند فرهنگی شدن اجتماعی شدن افراد به‌گونه‌ای باشد که تعهد لازم را نسبت به ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی در آن‌ها به وجود آورده باشد و به‌اصطلاح این هنجارها و ارزش‌ها در وجود افراد درونی شده باشد میزان گرایش به قانون بیشتر می‌شود زیرا قانون نیز بخشی از هنجارهای یک جامعه است که به‌صورت مدون درآمده است (فخرائی، ۱۳۸۶، ۱۱۵).

### آسیب‌شناسی فرهنگی

آسیب‌شناسی<sup>۱</sup> و آسیب‌زدایی یا آسیب‌ناپذیری<sup>۲</sup> واژه‌هایی هستند که از علم زیست‌شناسی به عاریت گرفته شده‌اند. آسیب‌شناسی یعنی شناسایی ناهنجاری‌ها در یک سیستم سالم و آسیب‌زدایی به معنای رفع ناهنجاری به وجود آمده و تضمین سلامت سیستم است (ابراهیمیان، ۱۳۹۱، ۱۳۷). هدف از مطالعه آسیب‌شناسانه در حوزه‌های مختلف تکمیل و یا تأمین فرآیندهای سه‌گانه شناسایی و تشخیص، پیشگیری و درمان است که برآیند این فرآیند پیشنهاد راه‌حل‌های مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌هاست و آسیب‌شناسی فرهنگی طبعاً به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که جنبه فرهنگی دارند و عناصر شکل‌دهنده‌ی هنجارها، ارزش‌ها، نمادها و عقاید و مجموعه کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و با رسوخ در هسته مقاومت افراد، آن‌ها را در برابر آسیب‌های فرهنگی آسیب‌پذیر می‌نماید. این کنش‌ها کم‌کم در جامعه جنبه نهادینه‌شده‌ای پیدا می‌کنند و به شکل آداب و سنن حاکم جامعه درمی‌آیند (رضایی، ۱۳۸۷، ۷۵-۷۴). با آسیب‌شناسی فرهنگی ناهنجاری‌هایی که در نظام سالم فرهنگی به وجود می‌آید را شناسایی و قبل از اینکه کل نظام

<sup>1</sup> Pathology

<sup>2</sup> Immunology

را مورد تهدید قرار دهد برای آسیب‌زدایی برنامه‌ریزی می‌کنیم (ابراهیمیان، ۱۳۹۱، ۱۳۸). جامعه‌شناسان نظام فرهنگی را یک مفهوم کلی در نظر می‌گیرند که همه‌ی اجزای آن در جهت بقای کل دارای کارکرد می‌باشند و روابط میان اجزاء باعث سازگاری و تعادل میان اجزاء و کل می‌شود. بدین ترتیب آسیب‌ها را هر نوع عاملی می‌دانند که در روند کارکرد نظام ایجاد اختلال کند و سازگاری و تعادل اجزاء و کل را به هم بریزد (رضایی، ۱۳۸۷، ۷۷). هدف از آسیب‌شناسی فرهنگی قانون‌گریزی در این پژوهش شناسایی و بررسی آن دسته از آفات و آسیب‌هایی است که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و بر روی اخلاق، منش و رفتارهای افراد جامعه تأثیر می‌گذارند و می‌تواند به‌عنوان پیامدهای شیوع قانون‌گریزی در میان دانشگاهیان لحاظ شود. برای این منظور شناخت وضعیت موجود دانشگاه و بررسی و تحلیل فعل‌وانفعالاتی که در محیط علمی دانشگاه و در روابط اجتماعی دانشگاهیان اعم از اساتید و دانشجویان و کادر اداری صورت می‌گیرد لازم و ضروری است. سلامت و پویایی دانشگاه به طریقی با مفهوم قانون‌پذیری و تعهد داشتن نسبت به اجرای قوانین ارتباط پیدا می‌کند؛ بنابراین عدم توجه به قانون برابر است با به مخاطره انداختن امنیت و نظم و همچنین آسیب رساندن به سرمایه‌ی نیروی انسانی که می‌باید صرف توسعه و پیشرفت شود. آنچه پس از دانشگاه مشهود است به کار بردن، تثبیت و انتقال آموخته‌ها است که جوانان به‌عنوان محصول این نظام آموزشی انتقال‌دهندگان فرهنگ دانشگاهی به بخش‌های دیگر اجتماع و یا حتی به نسل‌های بعدی خواهند شد؛ بنابراین لازم است در این راستا عواملی که نقش ساختار شکنانه دارند و در جهت عکس اهداف تعیین‌شده عمل می‌کنند را شناسایی کرده و برای بهبود و یا پیشگیری آن‌ها تدابیر لازم اندیشیده شود. تحقیقات نشان می‌دهد فرهنگ حاکم بر دانشگاه بر فعالیت و نگرش اعضای آن تأثیر بسیار دارد حتی رقابت درون‌سازمانی نیز ممکن است موجب بروز رفتارهای مثبت و منفی در محل کار بشود. در محیط دانشگاهی عدم تناسب ارزش‌های شخصی با فرهنگ دانشگاهی ممکن است منجر به بروز انحرافات رفتاری و قانونی شود. (پور عزت و دیگران، ۱۳۹۱، ۵). با توجه به اطلاعات جمع‌آوری‌شده تخلفات نظام آموزش عالی را می‌توان به سه دسته‌ی پژوهشی، شخصی یا رفتاری و اداری یا درون‌سازمانی تقسیم کرد. از جمله مسائل پژوهشی و آموزشی می‌توان به سرقت ادبی و علمی، جعل در اختراع، فروش سؤالات امتحانی اشاره کرد که شایع‌ترین نوع تخلفات قانونی در بین استانداردهای نظام آموزش عالی است. دسته‌ی دوم که در حوزه مسائل شخصی است به روابط بین افراد و سوءاستفاده‌های شخصی و ضد‌هنجاری مربوط می‌شود به‌طور نمونه درخواست‌های نامشروع در قبال نمره، سوءاستفاده از موقعیت در دانشگاه در جهت منافع خود از جمله‌ی این موارد

هستند و دسته‌ی سوم نیز مسائل اداری و وظایف شغلی مانند عقد قراردادهای غیرقانونی، پارتی‌بازی در دادن امکانات به دانشجویان و ... را در برمی‌گیرد. تقسیم‌بندی‌ها به شرح زیر و بر اساس قشر عامل (اعم از اساتید و دانشجویان) صورت گرفته است: (به نقل از ربیعی، ۱۳۹۳؛ پورعزت، ۱۳۹۱)

### انحرافات آموزشی و پژوهشی

- چاپ مقالات با اسم مشترک
- سندسازی علمی، مفهوم و مقاله دزدی و مقاله سازی
- پایان‌نامه نویسی و پژوهش نویسی توسط گروه‌های حرفه‌ای
- پارتی‌بازی در دادن ارتقای علمی به اساتید و اعضای هیئت‌علمی
- استفاده از منابع دیگران بدون ذکر نام در جزوه‌های درسی، مقالات و غیره
- تقلب در برگزاری امتحانات میان‌ترم و پایان‌ترم
- ارائه گزنت‌ها به شکل کاملاً صوری
- فروش سؤالات امتحانی در طول تحصیل یا آزمون‌های ورودی
- صدور مدرک جعلی
- پرداخت رشوه برای گرفتن نمره
- جعل در اختراع

این نوع از تخلفات قانونی رایج‌ترین نوع قانون‌گریزی (به شکل نرم) در نظام آموزش عالی است که طیف وسیعی از دانشجویان و اساتید را در برمی‌گیرد.

### قانون‌گریزی در بخش‌های اداری و مالی

- سوءاستفاده‌های مالی در خریده‌ها و قرارداده‌ها
- دادن وام‌ها به حلقه‌های نزدیک به مدیریت
- اختصاص امکانات و تسهیلات خاص برای مدیران کشوری به‌منظور ادامه تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی
- پارتی‌بازی در دادن امکانات به دانشجویان
- اخذ رشوه برای فراهم نمودن شرایط ورود به دانشگاه‌ها
- سوءاستفاده مالی از دانشجویان و همکاران پژوهشی

- عقد قراردادهای با بستگان و دوستان
- توزیع منابع مالی میان افراد خودی برای پژوهش‌ها و یا پروژه‌های تحقیقاتی
- سفرهای خارج از قاعده و مکرر تحت عنوان بازدید علمی به خارج از کشور با استفاده از اعتبارات دولتی
- بورس کردن بر اساس گرایش‌های سیاسی و یا خویشاوندی
- تقلب و پارتی‌بازی در مصاحبه‌های ورودی یا جذب هیئت‌علمی
- پارتی‌بازی در پذیرش و استخدام اساتید
- سوءاستفاده از موقعیت‌های اداری برای اخذ مجوزهای مختلف
- تأسیس و راه‌اندازی رشته و گروه برای فرد خاص و صاحب نفوذ

### انحرافات قانونی در حوزه شخصی اساتید

- سوءاستفاده از موقعیت در دانشگاه در جهت منافع خود
- چند شغله بودن اساتید
- درخواست‌های نامشروع در قبال دادن نمره
- سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی دانشجویان توسط اساتید
- برخورد ناعادلانه و تبعیض‌آمیز به علت شناخت و دوستی
- سوءاستفاده از موقعیت‌های سیاسی دانشجویان برای تثبیت موقعیت رؤسای دانشگاهی
- سوءاستفاده از مقام سیاسی برای دریافت مدرک
- زیر پا گذاشتن ارزش‌های محیط علمی دانشگاهی
- انجام پروژه برای کشورهای خارجی با بودجه‌ی ملی و دانشگاهی

### پیامدهای قانون شکنی در محیط دانشگاهی

- تأثیر منفی رفتار غیردانشگاهی استادان بر عملکرد شغلی آن‌ها
- افزایش استثماری دانشجویان توسط استادان و توسعه‌ی نگرشی ابزاری به دانشجویان
- عدم حضور فیزیکی استادان در محیط دانشگاهی
- کاهش انگیزه برای فعالیت‌های علمی و دانشگاهی و ترویج علم و دانش
- انجام پروژه‌ها و پژوهش‌هایی بدون عمق و غنا
- افزایش سرقت علمی هم در میان استادان و هم دانشجویان

- صدمه زدن به کیفیت یادگیری دانشجویان
- تأثیر سوء گذاشتن بر تجربیات تحصیلی دانشجویان و در معرض رفتارهای نامناسب قرار دادن آنان در محیط دانشگاه و محیط خارج از آن.
- کاهش هم‌افزایی و هم‌یاری در میان دانشگاهیان
- انتقال سرمایه‌های مالی و فکری دانشگاه به خارج از دانشگاه و سرمایه‌گذاری اقتصادی در آن محیط‌ها
- عدم تعهد دانشگاهیان به خود و دیگران حتی به جامعه
- تأثیر منفی بر عملکرد و پیشرفت دانشجویان
- تربیت نادرست دانشجویان و الگوبرداری غلط دانشجویان از اساتید
- عدم انگیزش دانشجویان به انجام کارهای علمی و پژوهشی به‌صورت صادقانه
- کاهش تدریجی هواداران علمی و به تبع آن کاهش تعداد افرادی که می‌توانند نظام را بهبود دهند.
- نگرش نادرست و ابزاری دانشجویان به استادان و دانشگاه و تنزل شأن و منزلت استادان
- ترویج عدم پایبندی به قانون و اشاعه‌ی فرهنگ قانون‌گریزی
- حاکم شدن فضای بی‌اعتمادی در محیط دانشگاهی
- کاهش همکاری در محیط دانشگاهی
- عدم پاسخگویی مسئولان در قبال عملکرد خویش
- رکود علمی و کاهش کیفیت و اعتبار دانشگاه
- غیر روشمند شدن دانشگاه
- حاکم شدن نظام بسازبفروش علمی در سطح دانشگاه و افزایش تولیدات علمی کم کیفیت
- کاهش مشروعیت و منزلت دانشگاه در سطح جامعه
- کاهش شان و منزلت استادان و دانشجویان در اجتماع و از نظر عامه مردم
- کاهش نسبی اعتبار مدرک دانشگاهی ترویج جامعه بی‌اخلاق، عدم توانایی دانشگاه در ایجاد حلقه‌ی بازخورد اصلاحی در جامعه و ایفای نقش مصلح اجتماعی

## عوامل آسیب‌زا

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته عوامل آسیب‌زا پیچیده و گسترده می‌باشند و نمی‌توان عناصری را صرفاً به‌عنوان عوامل حقیقی معرفی کرد اما باین‌حال می‌توان به عوامل محیطی و فرهنگی و شخصیتی زیر به‌عنوان عوامل تأثیرگذار اشاره کرد

**تشویق به هم‌رنگی:** در جوامعی که هم‌نوایی ترغیب می‌شود ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، هم‌نوایی را به‌عنوان یک فرهنگ غالب و مسلط می‌نگرند. در نتیجه تغییر در رفتار یا عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم اتفاق می‌افتد. انسان همواره در بین ارزش‌های مربوط به فردیت و ارزش‌های مربوط به هم‌رنگی با جماعت در حالی پر از تنش به سر می‌برد.

**عدم آگاهی:** اطلاع نداشتن از محتوای قوانین مانع از قانون‌مداری افراد در جامعه خواهد بود (علی بابایی و فیروز جانیان، ۱۳۸۸). آگاهی یافتن از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به زیست و فعالیت در یک محیط خاص در حوزه‌های مختلف آموزش، پژوهش، دانشجویی و فرهنگی باعث تنظیم و حرکت فعالیت‌ها در چارچوب قوانین مصوبه خواهد شد.

**موضوع قانون:** موضوع قانون باید عدالت برای تمامی گروه‌های مردم باشد. وقتی مردم مشاهده کنند که قانون برای گروه خاصی امتیازات خاصی قائل می‌شود و دیگران از آن بی‌نصیب‌اند پس اعتنایی به آن نمی‌کنند. قانون تبعیض‌آمیز به درد مردم نمی‌خورد و مردم از آن گریزان هستند.

**مجریان قانون:** این عامل که مهم‌ترین علت قانون‌گریزی است به بی‌اعتنایی خود مجریان قانون مربوط می‌شود. تا آنجا که قانون‌پذیری و قانون‌گریزی در هر جامعه‌ای نشان‌دهنده میزان پایبندی یا بی‌اعتنایی دولتمردان و مجریان نسبت به قانون نیز هست. اگر عوامل اجرایی و اداری دانشگاه و نخبگان به قانون اعتنایی نکنند، نباید انتظاری از دیگر افراد داشت.

**نقض قانون از بالا:** یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث گسترش قانون‌گریزی می‌شود، تشدید قانون‌گریزی از سوی هرم بالای جامعه است. هر مقدار خواص و نخبگان دانشگاه اعم از اساتید یا دیگران قانون‌شکن‌تر باشند به همان اندازه این موضوع در بین عامه‌ی مردم هم گسترده‌تر خواهد شد.

**بی توجهی به فرآیند حق و تکلیف:** یک‌سویه دیدن الزامات قانونی بر عدم تبعیت از قانون نیز بی‌اثر نبوده و از نظر روانی عده‌ای را مکلف به تکلیفی می‌داند که در روی دیگر آن هیچ حقی نهفته نیست ولی باید توجه داشت که حق و تکلیف، لازم و ملزوم یکدیگرند.

**تفکیک اخلاق از قانون:** افراد معمولاً در برداشتی که از افعال اخلاقی دارند، آن را از دستورات و الزامات قانونی جدا دانسته و در صورت تعارض میان فعل اخلاقی و دستور قانونی، اولویت را با فعل اخلاقی می‌دانند.

**ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون:** این اختلاف نظر همواره وجود داشته است که آیا فرهنگ مبتنی بر قانون است یا این قانون است که باید مبتنی بر فرهنگ باشد؟ کسانی که وظیفه قانون را اصلاح تدریجی فرهنگ می‌دانند از ابتناء فرهنگ بر قانون دفاع می‌کنند. کسانی هم که نادیده گرفتن فرهنگ را معادل شکست قانون می‌دانند، معتقد به استوار شدن قانون بر پایه‌های فرهنگی می‌باشند؛ اما در هر دو حالت از فرهنگ و آداب‌ورسوم هر جامعه‌ای در تدوین قوانین نباید غفلت ورزید که در غیر این صورت چنین قانونی به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

**تحلیل شخصی در مورد قانون:** از دیگر علل اهمال در موارد قانونی، قرائت‌های مختلفی است که با توجه به وضعیت فکری و فرهنگی و یا انتفاعی افراد از قانون صورت می‌گیرد. یک قانون هنگامی استواری موردنیاز خویش را در نظر و عمل پیدا می‌کند که از تحلیل شخصی دور بوده و دارای ترجمه‌ای واحد در اذهان همه افراد باشد تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرد.

**تعارض قوانین با منافع فردی:** اگر تکلیفی دینی و یا الزامی عقلی در تبعیت از قوانین برای افراد ایجاد نشده باشد، معمولاً افراد در صورت مشاهده‌ی تعارض میان منافع خویش و دستورات قانون، منافع خویش را اولویت داده و از منافع اجتماعی صرف‌نظر می‌نمایند. بسیاری خواهان قوانینی هستند که نیازهای اجتماعی آن‌ها را برطرف نماید و مشکلی بر مشکلات آن‌ها نیفزاید. دلیلی مانند عدم انطباق قانون با طبع مردم نیز به‌عنوان یکی از موارد زمینه‌ساز قانون‌شکنی در همین راستا قابل ارزیابی است.

**برتری یافتن عرف محیط:** پایین بودن فرهنگ قانون‌گرایی، در کنار جمعیت‌هایی تقویت می‌شود که جایگزینی هرچند سست و ضعیف را برای قانون سراغ داشته باشند. این عرف و

اعتقادات میان دانشگاهیان نیز تنوع بیشتری یافته و استدلال‌هایی را شکل می‌دهد که توجیه‌کننده‌ی بی‌اعتباری قانونی‌اند.

### نتیجه‌گیری

در بسیاری از کشورها قانون‌گریزی به پدیده‌ای تبدیل شده که به‌صورت رایج در بین عوام و خواص مطرح است در کشور ما تحقیقات زیادی در زمینه قانون‌گریزی صورت گرفته ولی بررسی آن در نظام آموزشی مورد غفلت بوده است لذا در این پژوهش دانشگاه به‌عنوان مرکز علمی و فرهنگی از چشم‌انداز قانون‌گریزی مورد بررسی قرار داده شده است. قانون‌گریزی در نظام آموزش عالی از جهات گوناگون دارای اهمیت است اول اینکه نظام آموزشی در مرکز تعالی فرهنگی است چه به مفهوم وسیله‌ی انتقال میراث فرهنگی و چه به مفهوم فراگرد رشد و تکامل انسان و تعالی جامعه و همواره جزء اساسی جامعه محسوب می‌شود؛ بنابراین وجود فساد و فعالیت‌های غیرقانونی در نظام آموزشی و از جمله نظام آموزش عالی که خود زمینه‌های تولید و انتقال فرهنگ را دارد سبب بی‌اعتمادی مردم می‌شود؛ و از جهتی دانشگاه مرکز تحقیق و پژوهش و راهگشایی در مورد مسائل عمومی است و پژوهش دانشگاهی پشتوانه‌ای نظری برای پویایی و تحرک یک جامعه محسوب می‌شود. ناب بودن و اصالت پژوهش و تحقیق در آموزش عالی وقتی ناشی از تفکر اساتید و دانشجویان است می‌تواند موجب بهبود امور جامعه شود (ربیعی، ۱۳۹۱)، بنابراین برای ایجاد محیط سالم توأم با محوریت قانون در محیط دانشگاهی، موارد زیر پیشنهاد می‌شود.

- برخورد قاطع با هرگونه تخلف و امتیازخواهی و یا سوءاستفاده‌های نزدیکان متخلف
- رعایت قانون از جانب همگان در هر مرتبه‌ای که باشند و نبودن تبعیض و عمل به مساوات در اجرای قوانین و ارزش‌های تعیین‌شده دانشگاه
- شفافیت در همه‌ی امور و مسائل مربوط به دانشگاه به‌طوری‌که سازوکار اداره امور شفاف باشد و به‌محض ظهور خلاف و ستمی، مسائل آشکار و بی‌پرده در میان گذاشته شود.
- رعایت اصل پاسخگویی همه واحدهای سازمانی چه در سطح پایین و چه در سطح بالا و مدیریت کل برای جلب اعتماد عمومی
- نظارت بر عملکرد کارگزاران به‌منظور پیشگیری از کوتاهی در ادای وظایف و تجاوز به حقوق مردم و نیز حفظ سلامت نظام اداری



- ایجاد فضای باز و ترویج فرهنگ نقد از مدیران و دستگاه‌ها و نهادینه کردن روحیه‌ی نقدپذیری. جلب کسانی که در حق‌گویی صراحت بیشتری دارند و به‌جای مدح و تعریف از کارها انتقاد سازنده می‌کنند از مصادیق روحیه‌ی انتقادپذیری است.
- عدالت در برخورد با کارکنان و اساتید و دانشجویان در تقسیم مزایای گوناگون مادی و معنوی
- به‌کارگیری افراد متخصص و توانا در امور و رعایت شایسته‌سالاری در انتصابات و گزینش‌های مختلف
- ارزشیابی دقیق از عملکرد کارکنان و اساتید و قدردانی شایسته از آنان و همچنین تنبیه افراد متخلف
- تکریم دانشجویان و ایجاد احساس رضایت از عملکرد کادر اداری و مدیران در آنان
- رعایت آزادی مشروع برای دانشجویان و استادان به معنای تضمین سلامت سازمان‌ها از طریق اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به‌موقع برای گسترش خواست عمومی برای مبارزه با انحرافات
- نهادینه‌سازی سلامت دانشگاه از طریق نظارت همگانی بر عملکرد مدیران و مسئولان و بخش‌های مختلف
- مهم‌ترین اصل در اداره‌ی امور، پایبندی همگان به قانون به‌عنوان منشور اخلاقی است، رعایت قانون از جانب همگان در هر مرتبه‌ای که باشد و نبودن تبعیض و عمل به مساوات در اجرای قانون بهترین چیزی است که سلامت یک سازمان را حفظ می‌کند و پشتوانه‌ی مردمی آن‌ها را تضمین می‌نماید لذا باید عمل به قانون و قانون‌گرایی سرلوحه‌ی امور همگان گردد و مدیران اجازه ندهند تحت هیچ شرایطی قانون فدای مسائل سیاسی، احساسی، مصلحتی و ... شود.

## منابع

۱. ابراهیمیان، سید حسین (۱۳۹۱). بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در نظام آموزش عالی. *مطالعات قدرت نرم*، ۵، ۱۲۱-۱۵۰.
۲. امیری، محمد اصغر؛ خامسان، احمد (۱۳۹۰). عدم صداقت علمی تهدیدی برای شرافت نظام آموزش عالی: مروری بر عوامل فردی و زمینه‌ای، *نشریه نامه آموزش عالی*، ۱۶.

۳. پور عزت، علی‌اصغر؛ قلی‌پور، آرین؛ حیدری، الهام؛ ندیر خانلو، سمیرا و سعیدی نژاد، مجید (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر و پیامدهای رفتارهای غیردانشگاهی در میان استادان دانشگاه. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۷، ۲.
۴. پیرایش، رضا؛ اشتری، اسماعیل و مختاری، سیده مینا (۱۳۹۴). قانون‌گریزی چالش بزرگ سبک زندگی، نظم و امنیت. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت.
۵. حق پناه، رضا (۱۳۷۷). جایگاه قانون و قانون‌گرایی در قرآن. پژوهش‌های اجتماعی، اسلامی، ۱۴.
۶. ربیعی، علی و نظریان، زهرا (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی سلامت نظام آموزش عالی و ارائه چارچوبی برای ارتقای سلامت نظام دانشگاهی. نشریه علوم سیاسی، ۲۳ (۷۰).
۷. رسولی، رضا و شهائی، بهنام (۱۳۸۸). فساد اداری در مدارس آموزشی: عوامل مؤثر بر پیدایش، گسترش و کاهش آن. نشریه مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)، ۳، ۳۴-۱۹.
۸. رضایی، علی‌رضا (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی فرهنگی: تبیین مفهومی، نظری و راهبردی. نشریه مهندسی فرهنگی، ۱۷ و ۱۸.
۹. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴). جامعه روستایی و نیازهای آن. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. صدیقی اورعی، غلامرضا (۱۳۷۶). تأثیر ساختاری بر پدیده‌ی امنیت اجتماعی یا ناامنی اجتماعی. مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت ملی (صص. ۱۳۱-۱۴۲). تهران: وزارت کشور
۱۱. علی بابایی، یحیی؛ فیروزجانیان، علی‌اصغر (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی. نشریه دانش انتظامی، ۴۵، ۷-۵۸.
۱۲. عمید (۱۳۷۷). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. غضبان، سید جعفر (۱۳۴۳). قانون چیست و چگونه به وجود آمد. نشریه کانون، سال هشتم، ۴ و ۵.
۱۴. فخرایی، سیروس (۱۳۸۶). بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن در شهر تبریز. نشریه پیک نور، ۱۷.
۱۵. قراگزلو، محمد (۱۳۷۸). جامعه مدنی و قانون‌گرایی، (سه جستار پیوسته) یک قرائن ساده از جامعه مدنی. نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۴۵ و ۱۴۶.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۷. کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول و صداقت، کامران (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵ (۱۸).

۱۸. آرا، کیوان؛ اجاقی، رضوان؛ چشمه سهرابی، مظفر و پاپی، احمد (۱۳۹۰). تحلیل آسیب‌شناسی ثقلب و سرقت علمی بر اساس یک تحقیق کیفی. *ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت*، ۱۰۶۳-۱۰۷۳.
۱۹. محبوبی، طاهره و توره، ناصر (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی خلاقیت و نوآوری در دانشگاه. *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۳۷.
۲۰. مختاری، مریم و قهرمانی، مریم (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان قانون‌گریزی در روابط اداری (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۸۱ سال شهر شیراز). *نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱، ۱۲۷-۱۴۶.
۲۱. منافی شرف‌آباد، کاظم؛ زمانی، الهام (۱۳۹۱). نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه. *نشریه مهندسی فرهنگی*، ۷۳.
۲۲. مهدوی، سید محمدصادق (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی فرهنگی دانشجویان. *نشریه علوم اجتماعی مطالعات جوانان*، ۱ و ۲.